

جهان صنعت

سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵ | ۱۷ ذی‌القعده ۱۴۴۷ | ۵ می ۲۰۲۶

سال بیست‌دوم | شماره ۶۰۷۱ | ۸ صفحه | قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

«جهان صنعت» بحران بازار کار در پسا جنگ را بررسی می‌کند

بیکاری پنهان



«جهان صنعت» از رویارویی نیروهای مسلح ایالات متحده و ایران در آب‌های جنوبی گزارش می‌دهد

تشدید تنش در تنگه با آغاز طرح ترامپ

محمدرضا عارف، معاون اول ریاست‌جمهوری تاکید کرد

افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت برخی کالاها ظرف یک هفته

معاون اول رئیس‌جمهور در نشست با اعضای شورای اطلاع‌رسانی دولت با انتقاد از افزایش‌های غیرمنطقی قیمت‌ها گفت: «جلوگیری از گرگن‌فروشی یک ضرورت جدی است و آنچه برای ما اهمیت دارد، مقابله با سوءاستفاده‌هایی است که در این فضا رخ می‌دهد». محمدرضا عارف تصریح کرد: «در مواردی مشاهده می‌شود یک کالا در کمتر از یک هفته تا ۱۰۰ درصد افزایش قیمت دارد. این روند نیازمند بررسی دقیق است تا علت واقعی آن مشخص شود». او با هشدار نسبت به رفتارهای سودجویانه تاکید کرد: «عدم‌ای در حال سوءاستفاده از شرایط هستند و از آب گل آلود ماهی می‌گیرند؛ دستگاه‌های مسوول باید با این پدیده برخورد قاطع و فوری داشته باشند».



بحران در پیش است

ناترازی برقی در ایران دیگر یک «پدیده فصلی» نیست بلکه به یک بحران ساختاری تبدیل شده که در تابستان ۱۴۰۵ (۲۰۲۶) خود را شدیدتر از قبل نشان می‌دهد. اگر در سال‌های گذشته خاموشی‌ها بیشتر به چند هفته اوج گرما محدود بود، حالا نشانه‌ها حاکی از آن است که شکاف میان تولید و مصرف برقی، عمیق‌تر و پایدارتر شده و حتی از زمستان تا تابستان امتداد یافته است.

بورس در ایستگاه تردید

روز دوشنبه معاملات بازار سرمایه در حالی انجام شد که فضای بازار تحت تاثیر افزایش دوباره ریسک‌های نظامی قرار داشت و بار دیگر معامله‌گران را وادار به احتیاط در معاملات کرد. نگرانی از شروع دوباره درگیری‌های نظامی میان ایران و آمریکا در تنگه هرمز و گسترش دوباره دامنه جنگ نه تنها بازار ایران بلکه در دیگر در قیمت‌های جهانی نیز تاثیر گذار بود...

معدن در تنگنا

سالی که گذشت برای بخش معدن و صنایع معدنی سالی بسیار دشوار و پرچالش بود؛ سالی که در آن اغلب فعالان این حوزه نه به‌توسعه بلکه صرفاً بقیا می‌انديشیدند. درحالی‌که معدنکاران پیش از هر چیز یک تولیدکننده محسوب می‌شوند و مهم‌ترین دغدغه آنها باید فروش محصول و بازگشت سرمایه برای ادامه فعالیت باشد اما با هزینه‌های سرسام‌آور تجهیز، استخراج و نگهداری، نرخ بالای انرژی ...

پرش روز

هشدارهای تکراری

یکم - معاون اول رئیس‌جمهور تصریح کرد: در مواردی مشاهده می‌شود یک کالا در کمتر از یک هفته تا ۱۰۰ درصد افزایش قیمت درآید این روند نیازمند بررسی دقیق است تا علت واقعی آن مشخص شود. وی با هشدار نسبت به رفتارهای سودجویانه تاکید کرد: عدم‌ای در حال سوءاستفاده از شرایط هستند و از آب گل آلود ماهی می‌گیرند.

ادامه در صفحه ۲

ادامه سرمقاله

بازتعریف قواعد بازی خاورمیانه در عصر گذار

اکنون، پس از ۶۰ روز، جهان به این نتیجه رسیده که آن محاسبات از بنیاد نادرست بوده است. جهان به این نتیجه رسیده که آن محاسبات اشتباه ترامپ در این نبود که به دنبال مهار بازار باشد بلکه در این بود که گمان می‌کرد می‌تواند با یک جنگ کوتاه‌مدت و آزادسازی ذخایر، هم‌زمان تهران را فلج کند و بازار را آرام نگه‌دارد. واقعیت اما به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد. قیمت نفت برنت که پس از اعلام آزادسازی ذخایر به ۹۰ تا ۹۵ دلار بازگشته بود، اکنون در پایان آوریل ۲۰۲۶ به ۱۵ دلار رسیده و در مقطعی از ۱۲۶ دلار نیز عبور کرده است. آزادسازی ذخایر، به‌جای آنکه قیمت‌ها را مهار کند، عملاً ذخایر استراتژیک آمریکا را تا مرز فروپاشی پیش برده است. پس از تکمیل این آزادسازی ۱۲۰ روزه، موجودی ذخایر استراتژیک آمریکا به حدود ۲۴۴ میلیارد بشکه کاهش خواهد یافت که آشکارا پایین‌تر از خط قرمز قانونی ۲۷۲ میلیارد بشکه قرار دارد. علاوه بر این، محدودیت‌های فیزیکی کتیدهای نمکی، حداقل ۱/۵ تا ۱/۶ میلیارد بشکه نفت را برای حفظ پایداری ساختاری الزامی می‌کند، به این معنا که حتی اگر موانع قانونی نیز کنار گذاشته شوند، فضای قابل‌استفاده باقیمانده کمتر از ۹۰۰ میلیون بشکه است. به‌عبارت دیگر، امرل اصلی آمریکا برای مداخلة در بازار نفت، عملاً از کار افتاده است.

این گران‌شدن پایدار انرژی، دو پیامد ساختاری برای ایران و کل منطقه دارد: نخست، جهان را با شتابی بی‌سابقه به سمت انرژی‌های پایدار و تجدیدپذیر سوق می‌دهد. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۲۰۲۶، بازار جهانی فناوری‌های انرژی پاک با رشد متوسط ۲۰ درصد در سال از ۲۰۱۵، به ارزش تقریبی ۱/۲ تریلیون دلار رسیده است. هم‌اکنون حدود ۸۰ درصد از تولید برق خورشیدی و بادی جهان با هزینه‌ای پایین‌تر از زغال‌سنگ یا گاز انجام می‌شود و قیمت باتری‌ها از سال ۲۰۱۵ تاکنون ۷۵ درصد کاهش یافته است. سایمون استیل، دبیر اجرایی کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل این وضعیت را «یک طنز عظیم» خوانده و تاکید کرده کشورهایی که به سوخت‌های فسیلی متاد مانده‌اند، ناخوشانه به ابرشاز گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر در سراسر جهان دامن می‌زنند. به‌زبان ساده، هر بشکه نفت گران‌تر، جهان را یک گام به دوران پسانرژی فسیلی نزدیک‌تر می‌کند و این به معنای کاهش بلندمدت ارزش استراتژیک ذخایر نفتی منطقه است.

ادامه تقدروژ

قیمت فزاینده دلار شگفتی ندارد

این دو صنعت در سال‌های تازه‌سپری شده روی هم به‌طور میانگین ۱۸ میلیارد دلار تازده‌داشتند که در برخی سال‌ها شانه به شانه درآمد ارزی به دست آمده از صادرات نفت خام بود. حالا این صادرات دیگر وجود خارجی ندارد و این مقوله‌ای است که خبرگزاری حکومتی

است؛ چشم‌اندازی که در آن ایران نه‌فقط به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای بلکه به‌عنوان یک بازیگر استراتژیک و ضروری برای ثبات و توازن جهانی عمل می‌کند.

مسیر ایران در این عصر گذار، اساساً متفاوت و بسیار پیچیده‌تر از دو رقیب عربی خود است. در حالی که امارات راهبرد «واگرایی» از ساختارهای جمعی منطقه‌ای را در پیش گرفته، ایران راهبرد «همگرایی» را در کانون معماری نظم نظم خود قرار داده است. این همگرایی یک مفهوم انتزاعی نیست بلکه در قالب حلقه‌های به‌هم‌پیوسته‌ای از اتحادهای اقتصادی، کریدورهای ترانزیتی و نهادهای مالی و سیاسی چندجانبه در حال تحقق است که از اروپا تا شرق آسیا را در بر می‌گیرد.

در کانون این عصر گذار، جمهوری اسلامی ایران نه‌به‌عنوان یک کششگر منفعل و واکنش‌دهنده بلکه به‌عنوان نیروی محرکه‌ای قرار دارد که راهبردی تاریخی را از «مقاومت» به «معماری نظم نوین» در دستور کار خود قرار داده است. این گذار راهبردی که در بچوجه جنگ

تحمیلی و تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و نظامی شکل گرفته، تنها یک تغییر تاکتیکی نیست بلکه بازتعریف فلسفه حضور ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی است. تحقق این مسیر نظام‌سازی، نه یک آرزوی دورمدت بلکه ضرورتی تاریخی و راهبردی است که اهمیت آن نمی‌توان نادیده گرفت. در این چارچوب تصمیم‌امارات برای خروج از اوپک که مصداق بارز واگرایی از ساختارهای سنتی است و واکنش عربستان برای حفظ بقایای نفوذ خود، در نقطه مقابل راهبرد ایران قرار می‌گیرند که حول محور «همگرایی» طراحی شده است: همگرایی‌ای که حلقه‌های آن از اروپا تا شرق آسیا گسترده شده و زیربنای معماری نظم نوین منطقه‌ای و جهانی را تشکیل می‌دهد.

اهمیت تاریخی موقعیت پیش‌روی ایران در این برهه حساس را باید با تاکید بر عظمت فرصت و عمق مسوولیت آن درک کرد. آنچه امروز در خاورمیانه در حال وقوع است، تنها یک جنگ یا یک بحران انرژی نیست بلکه یک لحظه نادر در تاریخ روابط بین‌الملل است که در آن ساختارهای قدرت به‌سرعت در حال تغییر جهت هستند. برای ایران، این لحظه می‌تواند نقطه عزمیتی باشد از یک «بازیگر مقاوم» که همواره در واکنش به فشارهای خارجی تعریف می‌شده، به یک «بازیگر معمار» که فعالانه قواعد بازی را طراحی و تعیین می‌کند. این گذار از «مقاومت» به «معماری»، به معنای کنار گذاشتن توانمندی‌های بازدارنده نیست بلکه به معنای به‌کارگیری آنها در خدمت یک چشم‌انداز ایجابی و کلان

یک روش موقت برای کاهش التهابات وارداتی اقلام غیراساسی و کالاهای واسطه‌ای مرتبط با تولید باشد.» این واقعیت در کنار فشار فوق‌العاده آمریکایی‌ها برای کاهش صادرات نفت ایران که احتمال کاهش درآمد ارزی را افزایش داده بازار را به این نتیجه رسانده است که باید در آینده چشم به راه سکنه عرضه ارز باشیم. تخصیص درآمد‌های ارزی به دست آمده به بخش معیشتی

سرمقاله

بازتعریف قواعد بازی خاورمیانه در عصر گذار

محسن راجی اسدآبادی *

تحولات شتابان خاورمیانه و خروج امارات متحده عربی از اوپک، صرفاً نشانه‌هایی از فروپاشی نظم کهنه نیستند بلکه بیش از هر چیز طلیعه‌دار ظهور عصری نوین از گذار هستند. بااین‌حال برای درک



ریشه‌های این دگرگونی بزرگ باید به دوامه پیش بازگشت؛ به زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با دستور به بزرگ‌ترین آزادسازی ذخایر استراتژیک نفت در تاریخ، وعده داد که ظرف چند هفته بازار انرژی را مهار و ایران را وادار به تسلیم خواهد کرد. ترامپ در ۱۲ مارس ۲۰۲۶، با اعلام آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت از ذخایر استراتژیک آمریکا به‌عنوان بخشی از یک طرح هماهنگ ۴۰۰ میلیون بشکه‌ای از ۳۱ کشور عضو آژانس بین‌المللی انرژی تصور می‌کرد می‌تواند هم‌زمان قیمت‌های سرکش انرژی را مهار کند و دست برتر را در میز مذاکره با تهران به دست آورد.

ادامه در همین صفحه

تقدروژ

قیمت فزاینده دلار شگفتی ندارد

محمد ارومیهای

هنوز آدم‌های بانفوذی در کشور هستند که بر تصمیم‌های اقتصادی - سیاسی موثرند و شوربختانه نمی‌دانند یا نمی‌خواهند بدانند «ارز»‌های معتبر مثل دلار و یورو و پوند کالایی هستند مثل هزاران کالای دیگر مثل سنجاقی قفل‌ی یا نان یا برنج. ویژگی همه کالاها این بوده که قانون طلایی عرضه و تقاضا بر آنها جاری است. به این معنا که قیمت دلار یا یورو از دل بازار و نقطه تلاقی عرضه دلار و تقاضای دلار به دست می‌آید. با این وضعیت است که افزایش قیمت دلار در بازار ارز در ایران و رسیدن آن به عدد‌های بالا - نزدیک به ۱۹۰ هزار تومان در ساعت‌هایی از روز - شگفتی ندارد. روز روز روشن بود و هست که آسیب زدن به دو صنعت ارزآور پتروشیمی و فولاد از سوی اسرائیل با شناخت کامل انجام شد.

ادامه در همین صفحه

خارج از مدار دلار فراهم کرده است. ایران هدف‌گذاری کرده تا حجم تجارت خود با کشورهای عضو SCO را از ۳۶-۳۵ میلیارد دلار فعلی به بیش از ۵۰ میلیارد دلار افزایش دهد. این تنوع‌بخشی ایران را در برابر شوک‌های خارجی مقاوم‌تر کرده و هم‌زمان شبکه‌ای از وابستگی‌های متقابل اقتصادی ایجاد می‌کند که خود، زیربنای نظم نوین است.

حلقه سوم، «همگرایی دیپلماتیک» است که تهران با آگاهی از تضعیف اوپک، به تقویت اتحاد با روسیه در چارچوب اوپک‌پلاس و توسعه همکاری‌های گازی با قطر در میدان مشترک پارس جنوبی-کیند شمالی پرداخت تا یک بلوک انرژی پایدار ایجاد کند. در سطح دیپلماتیک، نقش چین به‌عنوان میانجی در توافق تاریخی ازس‌گیری روابط ایران و عربستان سعودی، نشان داد که تهران پذیرای ترتیبات امنیتی جدیدی است که توسط قدرتی غیرغربی تضمین شود و به‌طور بالقوه نقش «ضامن ثبات» منطقه را برای خود تعریف کند. این همان «طرح امنیت جمعی» جدید در خلیج فارس است که ایران به‌دنبال آن است تا معماری امنیتی تحت رهبری آمریکا را برای هم‌نشسته کنار بزند. هم‌زمان ایران با طرح دعاوی حقوقی بین‌المللی و درخواست غرامت از کشورهای همسایه به دلیل ارائه پایگاه و حریه هوایی برای حملات، واکنشی حقوقی را در دستور کار قرار داد که هدف آن مشروعیت‌زدایی از اقدامات دشمنان و ایجاد قواعد جدید بازی براساس حقوق بین‌الملل است.

واکنش مالی امارات علیه ایران که در قالب توقیف دارایی‌ها و شبکه‌های مالی ایرانی در دوی صورت گرفته، به‌عنوان یک تهدید جدی علیه شران‌های حیاتی اقتصادی ایران، خود به یک محرک برای تسریع راهبرد همگرایی تبدیل شد. امارات که سال‌ها مهم‌ترین مسیر دور زدن تحریم‌ها برای ایران و کانال بیش از ۲۰ میلیارد دلار صادرات مجدد کالا به ایران بود، با این اقدام خصمانه عملاً ایران را وادار کرد تا با سرعت بیشتری به سمت جایگزین‌سازی مسیرهای تجاری و مالی خود حرکت کند؛ اقدامی که در نهایت به نفع راهبرد کلان ایران برای استقلال از آسیب‌پذیری‌های خارجی و تنوع‌بخشی به شرکای تجاری تمام شد.

حلقه چهارم این همگرایی، به حوزه «اقتصاد دانش‌بنیان و فناوری» مربوط می‌شود. ایران با اتکا به نیروی انسانی جوان و تحصیلکرده خود، در حال توسعه همکاری‌های فناورانه با قدرت‌های شرقی است. انتقال فناوری از روسیه و چین در حوزه‌های هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی و انرژی‌های تجدیدپذیر و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در پارک‌های علم و فناوری، بخشی از این راهبرد است که اقتصاد ایران را از وابستگی

اقتصاد و نیز برای افزایش ضریب امنیت نظامی از جمله دیدنی‌های بازار ارز هستند که بازم به کاهش عرضه ارز برای فعالیت‌های دیگر می‌انجامد. از سوی دیگر در بخش تقاضا نیز رخدادهایی را می‌بینیم که تقاضای ارز را تکان می‌دهد. به طور مثال کارخانه‌ها و صنایع بزرگی مثل پلیمیر، نساجی، خودرو و لوسوازم خانگی و برخی دیگر از بخش‌های صنعتی که

تومانی بدهد که تقاضا را در این سمت نیز افزایش خواهد داد. اختصاص یک میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی از سوی بانک مرکزی و نیز هشدار دادن این بانک به مردم که خرید هیجانی نکنند نشانه‌های رشد تقاضاست. با توجه به مجموعه تحولات و تغییرات در عرضه و تقاضای ارزهای معتبر رسیدن قیمت به بالاترین قیمت‌های تاریخی شگفتی ندارد.

سازمان آگهی شهرستان‌ها

از سراسر کشور

نماینده فعال می‌پذیرد

www.jahanesanat.ir

سازمان آگهی روزنامه جهان صنعت

۰۹۱۲۲۹۷۶۶۰۴

۸۸۶۱۰۰۱۹-۲۱

جهان صنعت



نرخ تسعیر ارز برای گزارشگری مالی

موسسات اعتباری اعلام شد

ایسنا- بانک مرکزی رویه و نحوه تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی موسسات اعتباری برای گزارشگری مالی پایان سال ۱۴۰۴ را به‌شبهه بانکی ابلاغ کرد که براساس آن نرخ تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های پولی ارزی موسسات اعتباری برای اعمال در صورت‌های مالی منتهی به‌پایان اسفند۱۴۰۴ مندرج نرخ خرید حواله مرکز مبادله ارز و طلای ایران برای هر ارز در تاریخ ۲۸ اسفند۱۴۰۴ است. یکی از موضوعات مهم مرتبط با فعالیت شبکه بانکی کشور و نظارت بر آن مقوله «شفافیت در گزارشگری مالی» است که این مهم در راستای تحقق ثبات و سلامت شبکه بانکی کشور همواره مورد تأکید بانک مرکزی است. از جنبه‌های مهم «شفافیت در گزارشگری مالی» ارانه تصویری شفاف از وضعیت دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی است که این مهم از طریق تعیین الگوی مناسب تسعیر ارز و نحوه برخورد با سود حاصل از آن محقق می‌شود.

به‌منظور رسیدن به‌اهداف فوق از سال ۱۳۹۸ تاکنون نرخ و نحوه تسعیر اقلام پولی دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی در موسسات اعتباری با عنایت به‌ویژه‌گی‌ها و تفاوت‌های ماهوی صنعت بانکداری توسط هیات‌عامل بانک مرکزی تعیین و به‌شبهه بانکی کشور ابلاغ شده است. درحال حاضر نحوه شناسایی تفاوت‌های تسعیر و گزارشگری آن در موسسات اعتباری دارای ملاحظات اساسی از لحاظ کیفیت سود ازجمله محبت ورود جریان نقدی، نحوه طبقه‌بندی دارایی‌های ارزی و ذخایر مربوطه، کیفیت متفاوت دارایی‌های پولی ازمنظر وصول، دسترسی، انتقال یا تبدیل آن به‌سایر اوسام در کوتاهمدت و مالا محبت مهم انگیزه موسسات اعتباری برای ایجاد وضعیت باز ارزی مثبت و متعاقبا افزایش سودآوری و بهبود پوشش زیان واسطه‌گری وجوه از مجرای تسعیر ارز است.

اقتصادبه‌زبان‌ساده

بیکاری، چهره‌های مختلف

وقتی کار نیست یا پیدا نمی‌شود



بیکاری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سلامت اقتصادی و اجتماعی هر کشور است و بررسی انواع آن به‌ما کمک می‌کند تا علل و پیامدهای فقدان اشتغال را بهتر درک کنیم. بیکاری تنها به‌معنای نداشتن شغل نبوده بلکه پدیده‌ای چندوجهی است که تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، ساختاری و حتی روانی شکل می‌گیرد. به‌طور کلی اقتصاددانان صنوع اصلی بیکاری را در نظر می‌گیرند: بیکاری اصطلاحی، ساختاری و چرخه‌ای و برخی معتقدند که انواع دیگری نیز مانند بیکاری مخفی یا پنهان وجود دارد که اهمیت آن در تحلیل دقیق بازار کار بسیار بالاست.

بیکاری اصطلاحی اولین نوع است و زمانی رخ می‌دهد که افراد در جست‌وجوی شغل مناسب هستند یا بین شغل‌ها جابه‌جا می‌شوند. این نوع بیکاری معمولاً کوتاهمدت است و نشان‌دهنده تحرک طبیعی نیروی کار در اقتصاد می‌باشد. برای مثال فارغ‌التحصیلانی که تازه وارد بازار کار می‌شوند، کارگرانی که به‌دلایل جغرافیایی یا تغییر حرفه درحال جست‌وجوی شغل بهتر هستند یا افرادی که از یک شغل به‌شغل دیگر منتقل می‌شوند همه در دسته بیکاری اصطلاحی قرار می‌گیرند. این نوع بیکاری در اقتصادهای پویا طبیعی و حتی مطلوب است زیرا نشان می‌دهد که بازار کار انعطاف دارد و افراد می‌توانند مشاغل بهتر یا متناسب با مهارت‌های خود پیدا کنند. با این حال اگر فرآیند جست‌وجوی شغل طولانی شود یا اطلاعات بازار کار ناکافی باشد بیکاری اصطلاحی می‌تواند تبدیل به‌یک چالش جدی شود.

بیکاری ساختاری نوع دیگری است که ناشی از ناهمخوانی مهارت‌ها، تغییرات تکنولوژیک یا جغرافیایی و ضعف زیرساخت‌ها در اقتصاد است. این نوع بیکاری زمانی رخ می‌دهد که شغل‌های موجود با مهارت‌ها یا نیازهای نیروی کار همخوانی ندارند. برای مثال در مناطقی که صنایع سنتی به‌دلیل فناوری‌های جدید یا تغییرات بازار تعطیل شدند کارگران ممکن است بدون مهارت لازم برای ورود به‌مشاغل جدید باقی بمانند. بیکاری ساختاری می‌تواند ناشی از تمرکز اقتصادی در مناطق خاص باشد یعنی در برخی استان‌ها فرصت‌های شغلی محدود و در مناطق دیگر وفور اشتغال وجود دارد. این نوع بیکاری معمولاً بلندمدت است و نیازمند آموزش مجدد، بازآموزی مهارت‌ها و سیاست‌های اشتغال منطبقه‌ای برای کاهش آن است. نوع سوم بیکاری چرخه‌ای یا نوسانی است که ارتباط مستقیم با رکود اقتصادی و نوسانات تقاضای کل دارد. در دوران رکود، کسب‌وکارها با کاهش تقاضا مواجه می‌شوند، تولید کاهش می‌یابد و درنتیجه تعداد شغل‌های موجود کاهش پیدا می‌کند. بیکاری چرخه‌ای معمولاً در دوره‌های رونق و رکود می‌تواند تغییر می‌کند و برای مثال در بحران‌های مالی یا جنگ‌های اقتصادی نرخ این نوع بیکاری به‌شدت افزایش می‌یابد. سیاست‌های پولی و مالی دولت، سرمایه‌گذاری و حمایت از کسب‌وکارها می‌توانند اثرات بیکاری چرخه‌ای را کاهش دهند.

علاوه‌براین سه‌نوع اصلی اقتصاددانان از بیکاری پنهان یا مخفی نیز یاد می‌کنند. این‌نوع بیکاری زمانی رخ می‌دهد که افراد از بازار کار خارج شدند اما هنوز در سن کار قرار دارند یا به‌دلایلی مانند ناامیدی، شرایط نامناسب شغلی یا عدم امنیت اقتصادی دیگر به‌دنبال کار نمی‌روند. بیکاری پنهان شاخص بسیار مهمی است زیرا می‌تواند آمار رسمی بیکاری را فریبده جلوه دهد. در بسیاری از کشورها حتی وقتی نرخ بیکاری کاهش می‌یابد، بیکاری پنهان افزایش یافته و نشان می‌دهد که تعداد افرادی که واقعا شاغل نیستند و فرصت شغلی مناسبی ندارند بالا است.

بیکاری می‌تواند براساس گروه‌های جمعیتی تحلیل شود. به‌عنوان مثال جوانان، زنان، مهاجران داخلی یا اقلیت‌ها معمولاً بیش از سایر گروه‌ها تحت تأثیر بیکاری قرار می‌گیرند. بیکاری جوانان به‌ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی یکی از چالش‌های جهانی است و می‌تواند به‌کاهش انگیزه، مهاجرت نیروی ماهر و افزایش ناراضیاتی اجتماعی منجر شود. بیکاری زنان که اغلب ناشی از محدودیت‌های فرهنگی، اقتصادی یا خانوادگی است نیز علاوه بر اثر اقتصادی پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای دارد.

پیامدهای بیکاری بسیار فراتر از فقدان درآمد است. افزایش بیکاری باعث کاهش قدرت خرید، افزایش فقر، فشار روانی، کاهش بهره‌وری و در بلندمدت، آسیب به‌سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی می‌شود. از سوی دیگر بیکاری مزمن و بلندمدت می‌تواند منجر به‌کاهش اعتماد به‌بازار کار، افزایش ناراضیاتی اجتماعی و حتی تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای و جنسیتی شود. برای مقابله با این چالش لازم است که سیاست‌های جامع و هدفمند طراحی شود، از تقویت مهارت‌ها و آموزش شغلی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و مناطق محروم تا حمایت‌های اجتماعی و بیمه بیکاری. شناخت انواع بیکاری و تحلیل دقیق آنها ابزار مهمی برای دولت‌ها، سیاستگذاران، کارفرمایان و خود کارجویان است. این شناخت کمک می‌کند تا دلایل فقدان اشتغال، ساختار بازار کار و نقاط ضعف اقتصادی شناسایی شود و اقدامات موثر برای کاهش بیکاری و بهبود کیفیت اشتغال صورت گیرد. هر نوع بیکاری نیازمند راهبردهای متفاوت است و تنها با درک جامع می‌توان از اثرات منفی آن در اقتصاد و جامعه جلوگیری کرد.

سرمایه‌گذاری در فناوری و اصلاحات نهادی است. **سناریوی رکود بلندمدت:** در صورت فقدان سیاست‌های موثر، ادامه فشارهای جنگ بر اقتصاد و ضعف ساختارهای اشتغال محور بازار کار ممکن است وارد یک‌رکود بلندمدت شود. در این وضعیت نرخ مشارکت پایین باقی می‌ماند، مشاغل با کیفیت کم می‌شود و نیروی کار در چرخه بیکاری پنهان و اشتغال کم‌کیفیت گرفتار می‌شود. این سناریو می‌تواند خسارات اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تری به‌دنبال داشته باشد و روند توسعه کشور را به‌تأخیر اندازد.

درنتیجه چشم‌انداز بازار کار ایران نه‌فقط به‌شراطی فعلی جنگ بلکه به‌انتخاب‌های سیاستگذاران، جهت‌گیری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد بستگی دارد؛ موضوعاتی که در سال‌های پیش‌رو تعیین‌کننده مسیر اشتغال و روند توسعه کشور خواهند بود.

زمستان سسراغار بحران بیکاری یا پایان فصلی پر تکرار؟

زمستان ۱۴۰۴ بازار کار ایران تصویری دوگانه و پیچیده ارائه کرد. نرخ بیکاری کل کشور با کاهش اندک به ۷/۶ درصد رسید اما در همان بازه نرخ مشارکت چشم‌انداز اقتصادی از ۳۹/۷ درصد کاهش یافت؛ این فاصله نشان می‌دهد که بخشی از جمعیت فعال از بازار کار خارج شده و کاهش بیکاری رسمی لزوماً نشانه بهبود واقعی اشتغال نیست. تحلیل منطقی‌ای این داده‌ها نیز آشکار کرده که اقتصاد ایران در دوسطح کاملاً متفاوت عمل می‌کند: استان‌های شمالی و مرکزی مانند یزد، اردبیل و مازندران هم در مشارکت اقتصادی و هم در نسبت اشتغال پیشرو هستند درحالی که جنوب و غرب کشور ازجمله ایلام، سیستان‌و بلوچستان و کرمانشاه همچنان با محدودیت شدید در اشتغال مواجهند.

نگاهی دقیق‌تر به‌نسبت اشتغال نشان می‌دهد که افزایش جمعیت در سن کار در برخی استان‌ها به‌فرصت شغلی واقعی تبدیل نشده است. به‌عنوان نمونه استان‌های شمالی و مرکزی باوجود رشد نسبت اشتغال همچنان سهم بالایی از نیروی کار خود را در مشاغل پایدار و مولد حفظ کردند در حالی که جنوب و غرب با کاهش قابل‌توجه نسبت اشتغال مواجه شدند. کرمانشاه و کردستان با نرخ‌های بیکاری به‌ترتیب ۶/۵ درصد و ۱۳/۹ درصد در صدر جدول بحران بیکاری قرار دارند و درمقایله مازندران و کرمانشاه جنوبی با نرخ‌های پایین ۳/۷ درصد و ۴/۴ درصد نمونه‌ای از مقاومت نسبی بازار کار هستند. حتی استان‌های صنعتی و پرجمعیت مثل تهران و اصفهان نیز در میانه این طیف قرار گرفتند و نشان می‌دهند که اختلافات منطقه‌ای در فرصت‌های شغلی عمیق و ساختاری است.

این ارقام و روندها نمایانگر چالش‌های جدی اقتصاد سیاسی بیکاری در ایران هستند. کاهش رسمی بیکاری ممکن است فریبنده باشد زیرا بیکاری پنهان، کاهش مشارکت اقتصادی و اشتغال ناقص در برخی مناطق خطر ناپایداری بازار کار را افزایش می‌دهد. تحلیل استانی نشان می‌دهد که تمرکز بر تقویت اشتغال در مناطق عقب‌مانده و طراحی برنامه‌های هدفمند منطقه‌ای برای مقابله با این بحران ضروری است. درواقع بازار کار ایران امروز ترکیبی از موفقیت نسبی در برخی مناطق و بحران شدید در سایر نقاط است؛ ترکیبی که تصویر واقعی وضعیت اشتغال کشور را پیچیده‌تر و چنلایه‌تر می‌کند و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی طولانی‌مدتی دارد.

روژگار سسپناه بازار کار؛ پیامدهای بلندمدت و چشم‌انداز نامطمئن

بازار کار ایران در شرایط فعلی در مسیر یک بحران عمیق و پایدار قرار گرفته است. فشار ناشی از جنگ، رکود اقتصادی و ضعف سیاست‌های اشتغال محور باعث شده که نته‌ها بیکاری رسمی افزایش یابد بلکه بیکاری پنهان، کاهش مشارکت نیروی کار و اشتغال ناقص به‌مشکلات روزمره اقتصاد ایران تبدیل شوند. مناطق عقب‌مانده و بحران شدید در سایر نقاط است؛ ترکیبی که تصویر واقعی وضعیت اشتغال کشور را پیچیده‌تر و چنلایه‌تر می‌کند و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی طولانی‌مدتی دارد.

چشم‌انداز بازار کار؛ بازسازی، تغییر ساختار یا رکود بلندمدت؟

ساختار یا رکود بلندمدت؟ پیش‌بینی آینده بازار کار ایران در پرتو بحران‌های کنونی مبتنی بر سه‌سناریوی کلی است: بازسازی، تحول ساختاری یا رکود بلندمدت. هرکدام از این سناریوها براساس چگونگی تعامل سیاست‌های داخلی، وضعیت جنگ و تحولات جهانی می‌تواند مسیر متفاوتی را برای بازار کار رقم بزند.

سناریوی بازسازی: در این سناریو اگر دولت بتواند با سیاست‌های حمایتی هدفمند و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد به‌بازسازی سریع اقتصاد و ایجاد مشاغل پایدار کمک کند بازار کار می‌تواند از وضعیت کنونی فاصله گرفته و به‌مسیر رشد بازگردد. این سناریو مستلزم سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌ها، حمایت از صنایع آسیب‌دیده و تقویت بخش خصوصی بوده اما تحقق آن نیازمند ثبات سیاسی و اقتصادی و راهکارهای صحیح در سیاستگذاری اشتغال است.

سناریوی تحول ساختاری: اگر اقتصاد ایران بتواند ازطریق تغییر ساختار به‌سمت اقتصاد دانش‌بنیان، خدمات با ارزش‌افزوده بالا و فناوری محور حرکت کند فرصت‌های شغلی جدید و با کیفیت ایجاد خواهد کرد. این تحول نته‌ها به‌ایجاد شغل کمک می‌کند بلکه می‌تواند بازدهی و بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهد و اقتصاد را در برابر شوک‌های خارجی مقاوم‌تر کند. چنین سناریویی مستلزم آموزش نیروی انسانی،

«جهان صنعت» بحران بازار کار در پساجنگ را بررسی می‌کند

بیکاری پنهان



هستند که به‌واسطه فشارهای جنگ و رکود اقتصادی تشدید شدند. پیش از آغاز درگیری‌های اخیر اقتصاد ایران با چالش‌های جدی مانند تورم بالا، ضعف در سرمایه‌گذاری و کمبود فرصت‌های شغلی پایدار روبرو بود. این شرایط باعث شده بود که بخش قابل‌توجهی از جمعیت در سن کار حتی در دوره‌های رونق نسبی اقتصادی از بازار کار دورنگردد بلکه یوایی‌های بلندمدت اقتصاد و سرمایه انسانی کشور را نیز تغییر می‌دهند؛ موضوعی که سیاستگذاران باید در طراحی راهکارهای اشتغال محور به‌شدت مورد توجه قرار دهند.

اقتصاد ایران در نقطه حساس؛ رکود، تورم و فشار بر دستمزدها

بازار کار ایران در شرایطی قرار گرفته که رکود اقتصادی، تورم بالا و فشار بر دستمزدها هم‌زمان شکل می‌گیرند و این هم‌گرایی پدیده‌ای است که اقتصاددانان آن را «رکود تورمی» می‌نامند. در چنین وضعیتی نته‌ها فرصت‌های شغلی جدید ایجاد نمی‌شود بلکه ارزش واقعی دستمزدها کاهش یافته و قدرت خرید نیروی کار تضعیف می‌شود. این امر به‌ویژه برای طبقه کارگر و اقشار با درآمدهای پیمادهای معیشتی و اجتماعی مهمی به‌دنبال دارد.

افزایش نسبی اشتغال‌های موقت، غیررسمی و ناقص که میزان و امنیت درآمد پایدار را کاهش می‌دهد یکی از نشانه‌های آشکار تحولات کیفی بازار کار است. اشتغال‌های ناکامل نته‌ها دسترسی به‌مزایای اجتماعی و بیمه را محدود می‌کند بلکه باعث می‌شود که نیروی کار دربرابر شوک‌های اقتصادی آتی آسیب‌پذیرتر شود. در چنین شرایطی حتی کاهش رسمی نرخ بیکاری نیز نمی‌تواند نشان‌دهنده بهبود واقعی بازار کار باشد زیرا پوشش آماری نمی‌تواند کیفیت اشتغال و امنیت اقتصادی را منعکس کند.

این تحولات ساختاری درکنار اثرات اقتصادی جنگ مانند کاهش تولید، تعطیلی واحدهای صنعتی و فشار تورمی باعث شده که بازار کار ایران وارد یک چرخه بحران‌زا شود؛ چرخه‌ای که در آن بیکاری، کاهش تقاضای نیروی کار، و ضعف تولید سرمایه‌گذاری یکدیگر را تشدید می‌کنند و بدون اصلاحات تدریجی برای کاهش بازار کار نتوانند اقتصاد کشور را برای سال‌ها در رکود نگه دارند.

هزینه‌های پنهان جنگ بر نیروی کار و معیشت خانوارها

جنگ در اقتصادهای مدرن امروز دیگر تنها یک رویداد نظامی نبوده بلکه یک شوک چندبعدی و ساختاری است که به‌سرعت از حوزه میدان نبرد به‌قلب اقتصاد، بازار کار و معیشت خانوارها سرایت می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اثرات اقتصادی جنگ بر بازار کار ایران فراتر از افزایش بیکاری رسمی بوده و زخم‌هایی پنهان بر نیروی کار و اقتصاد خانوارها برجای گذاشته است.

یکی از آشکارترین این‌ هزینه‌های پنهان کاهش مشارکت نیروی کار و خروج خانوارها از فرآیند اشتغال‌جویی است. بسیاری از کارگران به‌خصوص در بخش‌های غیررسمی و خدماتی نه‌فقط بیکار نشده بلکه به‌طور فزاینده‌ای از بازار کار کنار گذاشته می‌شوند به‌این معنی که دیگر به‌دنبال شغل نیستند یا به‌دلیل نااطمینانی اقتصادی و کمبود فرصت‌های واقعی انگیزه خود را برای اشتغال از دست می‌دهند. این خروج از بازار کار اگرچه در آمار بیکاری منعکس نمی‌شود اما بازار کار را کوچک‌تر و شکننده‌تر می‌کند.

هزینه پنهان دیگر تضعیف کیفیت اشتغال و کاهش امنیت شغلی است. بسیاری از کسانی که هنوز شاغل هستند در مشاغل با قراردادهای موقت، معیشتی خانوارها را کاهش می‌دهد بلکه توان خانوارها در مواجهه با بحران‌های اقتصادی را نیز تضعیف می‌کند. افزون بر این افزایش هزینه‌های زندگی، تورم و کاهش قدرت خرید دستمزدها باعث می‌شود که حتی کسانی که شغل دارند از نظر واقعی اقتصادی تضعیف شوند. درچنین شرایطی درآمدهای خانوار

کارخانه‌ها و افست تقاضای داخلی و خارجی قرار گرفتند. این روند باعث شده که بیکاری در برخی گروه‌های اجتماعی و مناطق جغرافیایی از متوسط ملی فراتر رود.

درمقابل بخش‌هایی از اقتصاد که به‌نوعی با بازار مصرف داخلی یا فعالیت‌های غیررسمی سروکار دارند توانستند تاحدی خود را با شرایط انطباق دهند اگرچه این سازگاری اغلب به‌قیمت کاهش کیفیت اشتغال، کاهش دستمزدهای واقعی و افزایش عدم امنیت شغلی بوده است. آنچه این وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند عدم توازن میان فرصت‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد است؛ به‌گونه‌ای که بخش‌های مولد یا فشارهای شدید

مواجهند درحالی‌که برخی خدمات مصرف‌محور حتی در شرایط بحران نیز توان ادامه فعالیت دارند. بنابراین جنگ باعث شده که نه‌فقط تعداد بیکاران افزایش یابد بلکه ساختار نیروی کار نیز تغییر کند؛ از اشتغال با کیفیت و پایداری به‌اشتغال‌های کم‌ثبات و دارای امنیت کمتر. این تغییرات نشان می‌دهد که در تحلیل اقتصاد سیاسی بیکاری در ایران باید به‌ساختارهای نهادی، جنس اشتغال و سطح امنیت شغلی توجه ویژه‌ای داشت زیرا این عوامل تعیین‌کننده مسیر توسعه و پایداری بازار کار در سال‌های آینده هستند.

شکاف شمال تا جنوب؛ نابرابری فرصت‌های شغلی عمیق‌تر شد

یکی از بارزترین چهره‌های بحران بازار کار در ایران امروز فاصله عمیق در فرصت‌های اشتغال میان مناطق مختلف کشور است. داده‌ها نشان می‌دهند مناطقی که پیش از جنگ از نظر تولید و مشارکت اقتصادی فعال‌تر بودند بهتر از شوک‌های اقتصادی اخیر عبور کردند درحالی‌که مناطق کمتر توسعه‌یافته و حاشیه‌ای بیشترین ضربه را متحمل شدند. این نابرابری منطقه‌ای نه‌فقط یک مساله اقتصادی بلکه به‌یک مساله سیاسی اجتماعی و توسعه‌ای تبدیل شده است.

در بخش‌هایی از شمال و مرکز کشور به‌خصوص مناطقی که پیش از این به‌شبهه‌های صنعتی، خدمات و تولید متنوع متکی بودند سهم بیشتری از فرصت‌های شغلی حفظ شده و حتی در برخی بخش‌ها نسبت اشتغال به‌جمعیت فعال افزایش یافته است. این امر به‌واسطه تنوع اقتصادی، زیرساخت‌های بهتر و دسترسی به‌بازارهای بزرگتر اتفاق افتاده و نشان می‌دهد که ساختارهای منطقه‌ای توسعه‌یافته‌تر می‌توانند دربرابر شوک‌های اقتصادی مقاومت بیشتری داشته باشند.

در سمت مقابل اما مناطق جنوبی و غربی کشور که پیش از این نیز با کمبود سرمایه‌گذاری، ضعف زیرساخت‌ها و محدودیت در دسترسی به‌بازارهای بزرگ مواجه بودند اکنون تحت فشار مضاعف اقتصادی و بیکاری قرار گرفتند. این مناطق با کاهش مشارکت و نسبت اشتغال و افزایش فشار بر نیروی کار مواجهند که نشان می‌دهد بحران اشتغال به‌طور نامتناسبی بر بخش خاصی از جمعیت تأثیر گذاشته است. این نابرابری آشکارا پیامدهای اجتماعی و سیاسی عمیقی دارد؛ از افزایش مهاجرت پایدار به‌شهرهای مرکزی و شمالی تا افزایش ناراضیاتی اجتماعی و فشارهای فرهنگی و اقتصادی در مناطق عقب‌مانده.

این شکاف منطقه‌ای در بازار کار ایران درکنار اثرات جنگ نشان می‌دهد که برنامه‌های سیاستگذاری اشتغال محور باید منطقه‌ای و هدفمند باشند و صرفاً تمرکز بر آمار ملی بیکاری نمی‌تواند تغییرات عمیق‌تر در بازار کار را منعکس کند. در غیاب این صورت ادامه این روند می‌تواند نابرابری‌های ساختاری را تشدید کرده و ساختار توسعه کشور را بیشتر قطبی کند.

پیامدهای ساختاری بیکاری؛ از کاهش مشارکت تا رکود اقتصادی

بحران بیکاری در ایران امروز تنها یک پدیده عددی نبوده بلکه بازتابی از ضعف‌های ساختاری عمیق در اقتصاد و بازار کار کشور است. کاهش مشارکت نیروی کار، کوچ نیروی فعال از بازار کار، افزایش اشتغال ناقص و سطح پایین امنیت شغلی همگی نشانه‌های این تحول ساختاری

احسان کشاورز- در روزهایی که ایران زیر

فشار هم‌زمان شوک‌های خارجی و داخلی قرار گرفته بازار کار کشور بیش‌از هر زمان دیگری در کانون توجه اقتصاددانان، سیاستگذاران و افکار عمومی قرار دارد. کاهش ظاهری نرخ بیکاری در زمستان ۱۴۰۴ اگرچه در نگاه اول نشانه بهبود دارد اما در عمق بحران‌های اجتماعی و اقتصادی نشانه‌ای از تضعیف مشارکت نیروی کار و عقب‌نشینی بزرگ جمعیت از بازار کار است. این پدیده موضوعی نیست که بتوان آن را صرفاً با یک رقم تک‌رقمی توضیح داد بلکه تبوری است از شکاف عمیق منطقه‌ای، ضعف ساختاری اقتصاد و هزینه‌های پنهان جنگ که هر روز بیش از پیش بر پیکره نیروی کار کشور سایه می‌اندازد.

جنگ ایران با آمریکا و اسرائیل علاوه بر تلفات انسانی و فشارهای سیاسی اقتصاد ایران را وارد مرحله‌ای بی‌سابقه از ناپایداری کرده است. تحلیل‌های مستقل و برآوردها نشان می‌دهد بیش از یک‌میلیون شغل مستقیم در اثر تخریب زیرساخت‌ها، افت تولید و تعطیلی صنایع کلیدی از بین رفته و میلیون‌ها نیروی کار در معرض خطر بیکاری یا خروج از بازار کار قرار دارند. این روند نته‌ها به‌افزایش بیکاری انجامیده بلکه شکل و کیفیت اشتغال در ایران را نیز دگرگون کرده؛ از کاهش مشارکت اقتصادی گرفته تا افزایش سهم اشتغال‌های غیررسمی و ناقص که می‌تواند اثرات بلندمدت و عمیقی بر سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی کشور بر جای گذارد.

بحران بیکاری امروز ایران را نمی‌توان تنها با یک شاخص فصلی توضیح داد. این بحران نمودار درهم‌تیدگی جنگ، رکود اقتصادی و ضعف سیاست‌های اشتغال محور است. در حالی که برخی مناطق کشور هنوز توانستند نسبتی از فرصت‌های شغلی را حفظ کنند بخش اعظم نیروی کار در مناطق کمتر برخوردار با ناامیدی اقتصادی، کاهش دستمزدهای واقعی و ریزش بازار کار مواجه شدند. این گزارش تلاش می‌کند تا با نگاهی اقتصادسیاسی به‌بحران بیکاری ناشی از جنگ، تحلیل‌های کلان و پیامدهای اقتصادی آن را بررسی و چشم‌انداز آینده بازار کار ایران را در پرتو تحولات جاری ترسیم کند.

بیکاری پنهان یا کاهش واقعی؟ اقتصاد ایران در دوراهی بحران

بازار کار ایران در زمستان ۱۴۰۴ چهره‌ای دوگانه از وضعیت اشتغال ارائه کرد؛ از یک‌سو نرخ بیکاری کل کشور به‌طور رسمی کاهش یافته اما از سوی دیگر نرخ مشارکت اقتصادی نیز کاهش یافته؛ نشانه‌ای آشکار از خروج بخشی از جمعیت فعال از بازار کار. این‌ پدیده که در تحلیل‌های کلان به‌«بیکاری پنهان» معروف است زمانی رخ می‌دهد که کاهش بیکاری رسمی به‌عنوان یک فریبده یا فرصت‌های شغلی جدید بلکه از طریق تضعیف انگیزه‌ها برای جست‌وجوی شغل و ترک بازار کار به‌وجود آید. کاهش مشارکت اقتصادی به‌معنای آن است که بخش قابل‌توجهی از جمعیت در سن کار عملاً از فرآیند اشتغال‌جویی خارج شدند که این امر می‌تواند بازار کار را کوچک‌تر، شکننده‌تر و کم‌انعطاف‌تر کند.

این وضعیت در ترکیب با فشارهای جنگ که به‌افت تولید، تعطیلی کسب‌وکارها و قطع زنجیره‌های تأمین منجر شده باعث شده است که آمارهای رسمی بیکاری تصویر ناقصی از وضعیت واقعی بازار کار ارائه دهند. بسیاری از کارگران در مشاغل غیررسمی، قراردادهای موقت یا اشتغال ناقص قرار دارند که این نوع اشتغال‌ها با بحران‌هایی چون جنگ بیشترین آسیب را می‌بینند. چنین وضعیتی اگرچه ممکن است نرخ بیکاری را به‌طور ظاهری کاهش دهد اما به‌وضوح نشانه ضعف و عدم پایداری شرایط کاری و اقتصاد کلان است.

درنتیجه تحلیل دقیق شرایط بازار کار ایجاب می‌کند که فراتر از اعداد بیکاری نگاه کنیم و شاخص‌هایی چون مشارکت اقتصادی، اشتغال ناقص و شرایط اشتغال واقعی را نیز در نظر بگیریم تا بتوانیم تصویر واقعی از بحران اشتغال در ایران را ترسیم کنیم. این رویکرد اساس فهم اقتصاد سیاسی بیکاری امروز ایران است؛ جایی که کاهش رسمی بیکاری ممکن است پنهان‌کننده پیامدهای عمیق‌تر فشارهای اقتصادی باشد.

بازار کار تحت فشار جنگ؛ چه کسانی می‌بازند و چه کسانی برنده هستند؟

در شرایط فعلی اقتصاد ایران جنگ نه‌فقط یک حادثه نظامی بلکه یک شوک عمیق اقتصادی و ساختاری به‌بازار کار بوده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم جنگ از تخریب زیرساخت‌ها گرفته تا کاهش فعالیت‌های تولیدی باعث از دست‌رفتن بیش از یک‌میلیون شغل مستقیم شده و میلیون‌ها نیروی کار دیگر در معرض اخراج یا فرارگرفتن در وضعیت اقتصادی ناامن هستند.

این بحران اشتغال اما به‌طور یکسان بر همه بخش‌ها و گروه‌های جمعیتی تأثیر نگذاشته است. بخش‌هایی که پیش از جنگ با ضعف ساختاری روبرو بودند همچون خدمات غیررسمی، کارگران قرارداد موقت و مشاغل کم‌ثبات اکنون بیشترین آسیب را دیدند. کارگران در بخش‌های تولیدی و صنعتی که وابسته به‌زنجیره‌های تأمین داخلی و خارجی هستند در مواجهه با کاهش تولید، تعطیلی

«جهان صنعت» وضعیت معاملات بازار سرمایه را بررسی می کند

بورس در ایستگاه تردید



«جهان صنعت» - روز دوشنبه معاملات بازار سرمایه درحالی انجام شد که فضای بازار تحت تاثیر افزایش دوباره ریسک‌های نظامی قرار داشت و بار دیگر معامله گران را وادار به احتیاط در معاملات کرد.

نگرانی از شروع دوباره درگیری‌های نظامی میان ایران و آمریکا در تنگه هرمز و گسترش دوباره دامنه جنگ نه تنها بازار ایران بلکه بار دیگر در قیمت‌های جهانی نیز تاثیر گذار بود و در سایه عقب‌نشینی دوباره نرخ اوس در این بازارها صندوق‌های طلا نیز روزی منفی را سپری کردند.

باوجود ثبت خروج سرمایه از صندوق‌های درآمد ثابت در ساعات پایانی و با قدرت گرفتن سرانه خریداران حقیقی نمودارهای جریان پول نشان از بازگشت سرمایه‌ها به این صندوق‌ها می‌دادند.

خروج دوباره پول حقیقی از صندوق‌های درآمد ثابت

روز دوشنبه در گروه صندوق‌های درآمد ثابت بازار تعداد ۱۱/۷ میلیارد واحد از این صندوق‌ها به ارزش ۳۱ هزار و ۵۱۲ میلیارد تومان معامله شدند و در نتیجه این معاملات رقمی به ارزش ۹۲۳ میلیارد تومان خالص سرمایه حقیقی از این صندوق‌ها خارج شد. در این معاملات سرانه خریداران حقیقی به ارزش ۳۳۲ میلیون تومان در برابر سرانه فروشندگان حقیقی به ارزش ۲۸۱ میلیون تومان قرار گرفت و نسبت قدرت خریداران به فروشندگان حقیقی مثبت ۱/۱۸ شد که نشان دهنده بازگشت خریداران قدرتمند به این گروه دارایی و افزایش احتیاط فعالان بازار در معاملات روز گذشته است.

از منظر ترکیب معامله گران نیز روز گذشته خریداران حقیقی با تعداد ۳۳ هزار و ۹۹۹ نفر و ارزش خرید

۷ هزار و ۹۷۵ میلیارد تومان بیش از ۲۵ درصد از سهم خرید بازار را کسب کردند و در مقابل فروشندگان حقیقی با تعداد ۳۵ هزار و ۳۳۵ نفر و ارزش معاملات ۹ هزار و ۹۰۹ میلیارد تومان نزدیک به ۳۱/۵ درصد از فروشندگان بازار را تشکیل دادند.

در معاملات روز دوشنبه نیز در گروه صندوق‌های درآمد ثابت سه صندوق سپر، پاسارگاد و آوند بیشترین ارزش معاملات را به ثبت رساندند.

روز منفی در صندوق‌های طلا

صندوق‌های طلا که طی چند روز گذشته معاملاتی پر رونق را پشت سر گذاشته و با رشد قیمتی همراه بودند روز دوشنبه و پس از عقب‌نشینی نرخ اونس در بازارهای جهانی و توقف رشد دلار در بازار آزاد با فشار دوباره فروش همراه

بوده و روزی نسبتاً منفی را سپری کردند. افزایش ریسک‌های نظامی در سطح منطقه‌ای و نگرانی سرمایه‌گذاران از شروع دوباره درگیری‌های نظامی باعث افزایش دوباره قیمت نفت و کاهش نرخ اونس و با افزایش ریسک‌ها و احتیاط بیشتر فعالان بازار همراه شد. از این رو برخی سرمایه‌گذاران در این گروه دارایی ترجیح دادند تا با فروش واحدهای این صندوق‌ها به‌شأناسایی سود پرداخته و منتظر روزهای آینده باشند.

روز دوشنبه در گروه صندوق‌های طلا ی بورسی تعداد ۲/۱ میلیارد واحد از این صندوق‌ها به ارزش ۲۲ هزار و ۸۷۷ میلیارد تومان معامله و در پایان رقمی به ارزش ۳۳ میلیارد تومان خالص سرمایه حقیقی وارد این صندوق‌ها شد. در معاملات دیروز نیز سرانه خریداران

حقیقی به ارزش ۱۷۹ میلیون تومان در برابر سرانه فروشندگان حقیقی به ارزش ۲۲۴ میلیون تومان قرار گرفت و نسبت قدرت خریداران حقیقی به فروشندگان منفی ۱/۸۱ به‌ثبت رسید که نشان‌دهنده دست بالای فروشندگان در معاملات دوشنبه در این کلاس دارایی است. از منظر ترکیب معامله گران نیز خریداران حقیقی با تعداد ۹۳ هزار و ۶۷۲ نفر و ارزش معاملاتی ۱۶ هزار و ۹۶۱ میلیارد تومان بیش از ۷۵ درصد از سهم بازار خرید را به‌خود اختصاص دادند و در مقابل نیز فروشندگان حقیقی با تعداد ۵۱ هزار و ۶۷۳ نفر و ارزش معاملاتی ۱۶ هزار و ۹۳۲ میلیارد تومان ۷۵ درصد از سهم فروش در معاملات روز گذشته این گروه را به‌خود اختصاص دادند که با توجه به‌آمار فوق می‌توان

ردپای فروش‌های پر قدرت در معاملات دیروز را مشاهده کرد.

در گروه صندوق‌های طلای بورسی در معاملات روز گذشته چهار صندوق عیار، طلا، کهربا و گنج بیشترین ارزش معاملات را به‌خود اختصاص دادند.

دوشنبه منفی در نقره‌ای‌ها

روز دوشنبه در گروه صندوق‌های نقره بازار تعداد ۱/۶ میلیارد واحد از این صندوق‌ها به ارزش ۲ هزار و ۱۶۳ میلیارد تومان معامله و در پایان رقم به ارزش ۲۰۸ میلیارد تومان خالص سرمایه حقیقی به‌این صندوق‌ها وارد شد.

سرانه خریداران حقیقی نیز به ارزش ۷۸ میلیون تومان در برابر سرانه فروشندگان حقیقی به ارزش ۱۴۰ میلیون تومان قرار گرفت و نسبت قدرت خریداران به فروشندگان حقیقی عدد منفی ۱/۷۹ به‌ثبت رسید که نشان می‌دهد در این صندوق‌ها همچنان فروشندگان پر قدرت حقیقی دست بالا را دارند.

از منظر ترکیب معامله گران نیز در این صندوق‌ها خریداران حقیقی با ارزش معاملاتی ۲ هزار و ۸۱۰ میلیارد تومان ۹۷ درصد از سهم خرید بازار و در مقابل فروشندگان حقیقی با ارزش فروش ۸۹۰ میلیارد تومان ۸۷ درصد از سهم فروش در معاملات روز گذشته را در اختیار داشتند.

در مجموع معاملات روز دوشنبه در بازار سرمایه منتر از افزایش ریسک‌های نظامی و بازگشایی بازارهای جهانی قرار داشت و همین موضوع سبب کاهش شدت خروج سرمایه از صندوق‌های درآمد ثابت و قدرت گرفتن فروشندگان حقیقی با تعداد ۵۱ هزار و ۶۷۳ نفر و ارزش معاملات ۱۶ هزار و ۹۳۲ میلیارد تومان ۷۵ درصد از سهم فروش در معاملات روز گذشته این گروه را به‌خود اختصاص داد که با توجه به‌آمار فوق می‌توان

چالش

صنعت کارگزاری بورس در تعطیلی بیش از دو ماهه بازار سهام از ابتدای جنگ با کاهش شدید درآمد و تعدیل نیرو مواجه شده است. عظیم ثابت، دبیرکل سابق کانون کارگران هشدار داده که ادامه این تعطیلی شمار قابل توجهی از کارگزاری‌ها را به سمت ورشکستگی سوق خواهد داد.

قدیمی‌ترین نهادهای مالی در معرض آسیب

عظیم ثابت، دبیرکل سابق کانون کارگران بورس و اوراق بهادار در گفت‌وگو با تجارت‌نیوز به بررسی آسیب‌های وارد شده به‌صنعت کارگزاری بورس در پی جنگ اخیر و تعطیلی طولانی مدت بازار سهام پرداخت و بیان کرد: «نهادهای مالی همگی درگیر مشکلات جدی شدند اما کارگزاری‌ها به‌عنوان قدیمی‌ترین نهادهای مالی بیشتر از بقیه آسیب می‌بینند. سیستم معاملاتی فعال برقرار نیست و عملیات معاملات سهام، حق تقدم و سایر ابزارهای مالی انجام نمی‌شود.»

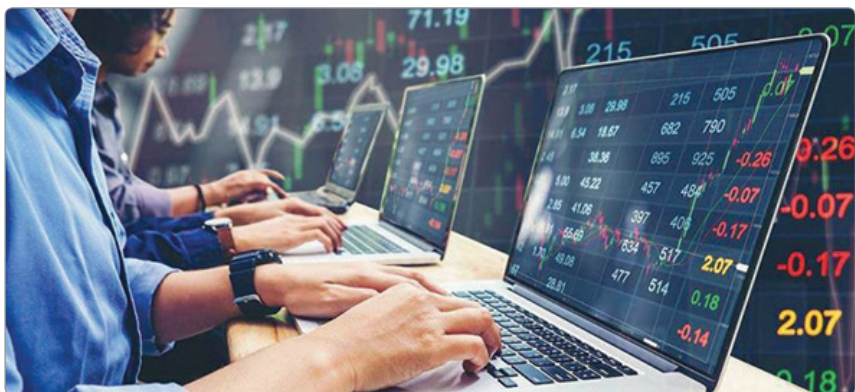
زنگ خطر برای کارگزاری‌های متکی به کارمزد

دبیرکل سابق کانون کارگران بورس و اوراق بهادار افزود: «همیشه هشدار داده بودیم که شرکت‌های کارگزاری نباید تک محصولی باشند و صرفاً از محل کارمزد معاملات درآمد کسب کنند. اکنون به‌وضوح می‌بینیم شرکت‌هایی که توسعه پیدا کردند و صندوق‌های سرمایه‌گذاری داشته حاشیه امنیت بیشتری دارند اما کارگزاری‌هایی که فقط به‌کارمزد معاملات متصل هستند با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شدند.»

ثابت در تشریح وضعیت کارگزاری‌ها در سال‌های اخیر گفت: «از اوایل دهه ۹۰ که بازار سرمایه رونق گرفت کارگزاری‌ها تلاش کردند زیرساخت‌های بیشتری فراهم کنند تا پاسخگوی نیاز مشتریان باشند.

دبیرکل سابق کانون کارگران بورس هشدار داد

خطر ورشکستگی صنعت کارگزاری با تداوم تعطیلی بازار سهام



این موضوع به‌افزایش سرمایه انسانی و توسعه زیرساخت‌هایی مانند سامانه‌های معاملاتی و تحلیلی منجر شد اما متأسفانه پس از آن رونق بازار چند سال افت کرد. شرایط در سال ۱۴۰۴ کمی بهبود یافت اما با شروع جنگ کارگزاری‌های مالی با مشکلات بیشتری مواجه شد.»

تعدیل نیرو در تعدادی از کارگزاری‌ها

دبیرکل سابق کانون کارگران بورس و اوراق بهادار با اشاره به وضعیت نیروی انسانی در کارگزاری‌ها گفت: «عملاً کارگزاری‌ها بی‌کار شدند. تعداد محدودی به‌ناچار مجبور شدند نیروهای خود

موضوع هزینه‌مضاعفی به‌کارگزاری‌ها تحمیل می‌کند البته مذاکراتی برای کاهش نرخ بهره و عدم تعلق جریمه انجام شده است.» ثابت ادامه داد: «بازگشایی بازار سهام در مجموع به‌نفع صنعت کارگزاری است اما امیدواریم قبل از آن تمهیدات لازم برای مدیریت صحیح بازار اندیشیده شود.»

بقای کوتاه‌مدت کارگزاری‌ها در سایه تعطیلی بازار

دبیرکل سابق کانون کارگران بورس و اوراق بهادار در پاسخ به این پرسش که اگر تعطیلی بازار سهام طولانی شود چه اتفاقی برای صنعت کارگزاری خواهد افتاد، هشدار داد: «در آن صورت تعداد قابل توجهی از شرکت‌های کارگزاری با مشکلات جدی مواجه شده و به‌سخت ورشکستگی سوق داده می‌شوند. وقتی شرکت کارگزاری درآمدی نداشته باشد شاید بر اساس سفته‌های انباشته یا کاهش هزینه‌ها بتواند مدتی دوام بیاورد اما برای دوره‌های طولانی توقف فعالیت هیچ تمهیدی دیده نشده است.»

این کارشناس بازار سرمایه تأکید کرد: «هر کسب‌وکاری اگر سه‌ماهه شش‌ماه یا بیشتر بسته باشد با مشکل مواجه می‌شود زیرا هزینه‌ها سر جای خود باقی مانده و حتی افزایش شدیدی پیدا کرده و اداری کافی نیست.»

عدم تعادل بین هزینه و درآمد در کارگزاری‌ها

ثابت ادامه داد: «طبیعتاً شرایط فعلی برای کارگزاری‌ها نیز عدم تعادل بین هزینه و درآمد خواهد داد. در آن حالت کارگزاری‌ها برای بقا و جلوگیری از ورشکستگی تلاش خواهند کرد که به‌تدریج بیشتر نیرو، کاهش شدید فعالیت و تعطیلی دفاتر شعب منجر خواهد شد.»

دیدگاه

رییس سازمان بورس مطرح کرد
۳ سناریوی چالشی برای بورس



سنا- رییس سازمان بورس بر لزوم هماهنگی بخش‌های مختلف اقتصادی برای عملیاتی‌شدن بسته حمایت از بازار سهام تأکید کرد. صیدی گفت: سه سناریوی پیش روی بازار قرار دارد که نخستین آن شروع مجدد جنگ و تصعید جنگ، دومین سناریو توافق منجر به صلح و سومین حالت تداوم وضعیت فعلی است که از دوسناریوی دیگر پرچالش‌تر است. صیدی با بیان اینکه از شروع جنگ تاکنون مجوز انتشار اوراق و تأمین مالی، افزایش سرمایه ناشران و... در سازمان بورس و اوراق بهادار متوقف نشده و به‌تأمین مالی و فرآیندهای آسیب‌دیده بازگرداندن آنها به‌مدار تولید را است به این مسائل در بازار سرعت بیشتری بدهیم تا مشکلات بنگاه‌های اقتصادی کمتر شود.

او با اشاره به طرح سازمان بورس برای تأسیس صندوق‌های حمایت از صنایع فولاد و پتروشیمی تأکید کرد: تلاش جمعی ما در ایجاد و تقویت این صندوق‌ها و کمک بیشتر به‌تأمین مالی بنگاه‌های آسیب‌دیده بازگرداندن آنها به‌مدار تولید را تسریع می‌کند. البته تأسیس این صندوق‌ها در انتظار برنامه‌های مشخص و مدون این شرکت‌ها برای بازسازی است.

رییس سازمان بورس و اوراق بهادار درباره بازگشایی بازار سهام نیز گفت: از قبل از عید جلسات متعددی برای بازگشایی بازار برگزار کردیم و علاقه‌مند بودیم از هفته سوم اسفند ۱۴۰۴ فعالیت بازار سهام از سر گرفته شود اما پیش از آن باید تکلیف چند موضوع روشن می‌شد که همچنان هم این موضوعات در دست پیگیری هستند. مهم‌ترین موضوع بحث افزایش اطلاعات است. سرمایه‌گذار باید با توجه به تغییر شرایط تصویر به‌نسبت روشنی از وضعیت شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری داشته باشد. در حال حاضر بخش قابل توجهی از بازار افزایش حادتی را هم انجام ندادند که موضوع در حال پیگیری است. برخی ناشران می‌گویند ابهامات اساسی برای پیش‌بینی وضعیت آینده داریم که باید ابهامات برطرف شود. گزارش تعدادی از گروه شرکت‌هایی که اطلاعات خودشان را افشا کردند نشان می‌دهد بعضاً در میزان و رقم فروش شاهد رشد قابل توجهی در سال جدید خواهند بود. امیدواریم هرچه زودتر این افشاها تکمیل شده و این شرط بازگشایی محقق شود.

او ادامه داد: از شروع جنگ تاکنون سازمان بورس و اوراق بهادار نظرسنجی‌های متعددی از فعالان در خصوص بازگشایی یا بسته‌ماندن بازار انجام داده که حتی در آخرین نظرسنجی در روزهای اخیر هم اکثریت با بازگشایی بازار در این شرایط مخالفت کردند اما با این حال برای ما مطلوب نیست که بازار سهام بسته باشد و لازم است تلاش کنیم این بازار در اولین تاریخ ممکن باز شود.

صیدی گفت: علاوه بر موضوع فنی بازار موضوع مهم دیگر در خصوص بازگشایی بازار سهام، ملاحظات محیطی و ملی است که مورد تأکید مراجع ذی‌ربط بوده و باید با هماهنگی کامل در این خصوص اقدام شود.

رییس سازمان بورس و اوراق بهادار تأکید کرد: موضوع مهم دیگر در بحث بازگشایی بازار سهام مساله حمایت است. جنگ ۱۲ روزه آموخته‌های برای بازار داشته و از تجربیات آنباشته‌شده در تئوری یک‌بسته حمایتی استفاده کردیم. عملیاتی‌شدن این بسته حمایتی به‌هماهنگی بخش‌های مختلف اقتصادی نیاز دارد. در همین زمینه با بانک مرکزی صحبت کردیم و جلسات متعددی برگزار شده تا همراهی لازم در این خصوص صورت گیرد که همچنان موضوع در دست پیگیری است.

او ادامه داد: در همین حال کارگزاری‌ها به‌مشتریان خود برای خرید سهام اعتبار دادند که برای استمهال آن با بانک مرکزی مکاتبه شده و پیگیری این موضوع برای حمایت از سهامداران ادامه دارد.

صیدی هماهنگی نهادهای مالی را یکی دیگر از شروط و الزامات بازگشایی بازار سهام برشمرد و تأکید کرد: اگر نهادهای مالی منسجم عمل کنند بازار نتیجه خوبی خواهد گرفت. این هماهنگی به‌پروان‌شدن معاملات و چرخش نقدینگی کمک می‌کند و ظرف مدت کوتاهی موجب رونق بازار می‌شود.

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای پ/پ ش شماره ۱۴۰۵/۰۱۴/م ع ب/پ ش شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای پ/پ ش شماره ۱۴۰۵/۰۱۴/م ع ت شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای پ/پ ش شماره ۱۴۰۵/۰۱۵/م ع ب/پ ش شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای پ/پ ش شماره ۱۴۰۵/۰۱۳/م ع ب/پ ش شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)

تجدید آگهی مناقصه شماره ۲۱۰۴۱۳۴ شرکت ملی صنایع مس ایران با عنوان مناقصه گزار در نظر دارد پروژه «ایجاد سیستم نظارت تصویری کارخانجات اسید و اکسیژن مجتمع مس سرچشمه» را به شرکت‌ها یا مؤسسات واجد صلاحیت واگذار نماید. مقتضی است جهت کسب اطلاعات بیشتر به وب‌سایت‌های رسمی این شرکت به شرح ذیل مراجعه نمایید.

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای پ/پ ش شماره ۱۴۰۵/۰۱۰/م ع ب/پ ش شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)

آگهی رعایت حق تقدم در افزایش سرمایه شرکت مجتمع صنایع غذایی کیلوس (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۳۶۰۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۶۹۵۳۷ ثبت شده در اداره ثبت شرکت‌های تهران

بیمه تجارت نپ Tejaratno Insurance شرکت بیمه تجارت نو در نظر دارد تعداد ۲ دستگاه خودرو با مشخصات ذیل با وضع موجود از طریق مزایده عمومی به فروش رساند.

خبر

آتش‌سوزی در کارخانه چسب



ایلنا - رییس انجمن ایمنی و بهداشت حرفه‌ای استان آذربایجان شرقی از فوت دو نفر از ۱۹ کارگر مصدوم حادثه آتش‌سوزی کارخانه چسب «کنکام کیهان پلیمر» در محدوده شهر صوفیان خبر داد. وحید فرحبخش، رییس انجمن ایمنی و بهداشت حرفه‌ای استان آذربایجان شرقی با اعلام این خبر به‌ایلنا گفت: متأسفانه با خبر شدیم دو نفر از ۱۹ کارگر حادثه حریق کارخانه چسب «کنکام کیهان پلیمر» در محدوده شهر صوفیان به‌اسامی محمد رضازاده و ناصر مسلم‌زاده بر اثر شدت سوختگی به‌ترتیب در روزهای دهم و دوازدهم اردیبهشت‌ماه فوت شده و وضعیت چهار کارگر دیگر وخیم است و تعدادی دیگر در بیمارستان سینای تبریز بستری و درحال درمان هستند.

فرحبخش با بیان اینکه بی‌توجهی مزن به‌ایمنی کار و قصور نهادهای مسول در صنایع پرریسک زنگ خطر جدی است که جان کارگران را تهدید می‌کند، ادامه داد: به‌عنوان رییس انجمن ایمنی و بهداشت حرفه‌ای استان و عضو هیات‌مدیره کانون سراسری انجمن‌های ایمنی و بهداشت کار کشور این‌فاجعه را نتیجه مستقیم عدم جذب و به‌کارگیری مسول ایمنی و بهداشت حرفه‌ای در واحدهای صنعتی می‌نامم؛ موضوعی که سال‌هاست به‌فنادهای مرتبط گوشزد شده اما در عمل با بی‌توجهی و سهل‌انگاری مواجه شده است. به گفته وی، صنعت چسب‌سازی و صنایع مشابه به‌واسطه ماهیت مواد شیمیایی قابل اشتعال، نیازمند حضور دائمی و تخصصی کارشناسان ایمنی و بهداشت حرفه‌ای هستند. عدم وجود چنین ساختارهایی نه تنها جان کارگران را تهدید می‌کند بلکه حیثیت صنعت و اعتماد عمومی را از بین می‌برد.

عضو هیات‌مدیره کانون سراسری انجمن‌های ایمنی و بهداشت کار کشور گفت: چه کسی امروز جولانگی خانواده‌های این کارگران فوت شده و چه کسی می‌خواهد از آسیب‌های اجتماعی که ممکن است به‌سراغ خانواده‌های این کارگران بیاید جلوگیری کند؟ او افزود: آنچه در این بین تأسف‌بار و غیر قابل‌پذیرش بوده بایکوت خبری این‌حادثه در برخی رسانه‌ها به‌جای بازتاب در مردم و درخواست اصلاح فوری ساختارهای نظارتی است. افکار عمومی حق دارد بداند که جان کارگران چگونه قربانی کم‌کاری و بی‌مسئولیتی شده است.

فرحبخش با بیان اینکه در حالی هفته کارگر را جشن گرفتیم که پیکر دو کارگر در خاموشی و چهار کارگر دیگر در جلال با مرگ هستند، با طرح یک‌ممول افزود: باید پرسید چرا «شان کارگر» فقط در شمارها محترم شمرده می‌شود و نه در عمل و چرا امنیت محیط کار نباید به‌اندازه تولید و فروش اهمیت داشته باشد؟

رییس انجمن ایمنی و بهداشت حرفه‌ای استان آذربایجان شرقی ضمن اعلام همدردی عمیق با خانواده‌های جان‌باختگان و مصدومان خواستار بررسی فوری علل قتل و مدیریتی حادثه توسط کارگروه مستقل شد و گفت: ارگان‌های نظارتی، اداره کار و اداره صنعت استان باید در مورد این‌حادثه و علت مرگ و مصدومیت کارگران پاسخگو و شفاف‌سازی کنند او با بیان اینکه واحدهای صنعتی به‌عنوان کارشناسان ایمنی و بهداشت حرفه‌ای ملزم هستند افزود: حرف ما این است که چرا نباید محیط‌های کارگاهی که کارگران در آن مشغول به‌کار هستند ایمن باشد و چرا مسوولان نسبت به رعایت اصول ایمنی کار برای کارگران که توسط کارفرماها اعمال شود توجهی نمی‌کنند؟ ضمن اینکه فرهنگ سکوت و پنهان‌کاری دربرابر حوادث کار باید متوقف شود چرا که جان انسان و شان کارگر خط قرمز است که هیچ مصلحتی نباید آن را منحو کند.

گفتی است که آتش‌سوزی روز چهاردیبهشت در شرکت چسب‌سازی «کنکام کیهان پلیمر» واقع در منطقه صنعتی صوفیان استان آذربایجان شرقی اتفاق افتاده که در نتیجه آن از ۱۹ کارگر مصدوم شدند و تاکنون دو نفر از مصدومان جان خود را از دست دادند.

آخرین وضعیت منازل آسیب‌دیده در جنگ



ایلنا - معاون هماهنگی امور مناطق شهرداری تهران از آغاز پرداخت نقدی خسارت تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان برای تعمیرات متوسط منازل آسیب‌دیده در جنگ خبر داد.

لطفاً فرزند با اشاره به‌آخرین وضعیت منازل آسیب دیده جنگ گفت: بافراپی که ساختمان‌های نیاز به‌مقاوم‌سازی یا تخریب و بازسازی دارد متناسب با منطقه تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان پرداخت می‌شود.

ایلنا در خبری از قول فرزند تاجر خبر کرد: مساله اصلی ما انهایی هستند که به‌ر حال تعمیرات متوسط مشمولان می‌شود. تعمیرات متوسط تعریفش این است که علاوه بر شیشه و پنجره دیواری فروریخته باشد. اینها دودسته هستند: یک‌دسته خسارت تا ۵۰۰ میلیون تومان است که شروع به‌پرداخت نقدی کردیم و خود صاحبخانه می‌رود و تعمیر می‌کند و برای ما فاکتور می‌آورد و به‌این‌صورت کار تمام می‌شود. وی ادامه داد: این اقدام از این هفته شروع شده و همه به‌شهرداران نواحی مراجعه می‌کنند. شهردار هر ناحیه را هم موظف کردیم که سریع بتوانند آن‌ها شاله این کار را حل کنند.

وی گفت: کسانی هم هستند که بالای ۵۰۰ میلیون تومان تعمیرات دارند. شهرداری با آسیب‌دیدگان توافق می‌کند و احتمالاً دوازده‌ماهه طول می‌کشد تا خانه‌هایشان آماده شود. ما پذیرای این افراد هم هستیم یعنی در هتل و در محلی که اسکان پیدا می‌کنند تا ساختمان‌شان آماده شود.

معاون هماهنگی امور مناطق شهرداری تهران اضافه کرد: برای انهایی که ساختمان‌شان باید مقاوم‌سازی شود کارشان حداقل یکسال طول می‌کشد برای کسانی که ساختمان‌شان نیاز به‌تخریب و بازسازی دارند که شاید دو سال طول بکشد. موظف هستیم اسکان موقت بهمیم، مقلماش را فراهم کردیم تا خودشان محلی را مشخص کنند و به این‌افراز هزینه رهن و اجاره را پرداخت می‌کنیم. معاون زاگانی افزود: البته این اقدام موقت به‌چند شکل انجام می‌شود. بعضی از صاحبان و سازندگان حاضرند به‌ما واحدها را معرفی کنند و ما به‌مردم اعلام کنیم و اگر تمایل داشتند انتخاب می‌کنند. بعضی از مردم هم خودشان می‌توانند بروند و خانه رهن و اجاره کنند. ما به‌طور متوسط ۳۰۰ میلیون تومان ودیعه و اجاره ۴۰۰ میلیون تومانی (البته به‌تناسب شرایط منطقه) پرداخت می‌کنیم.

آخرین وضعیت سدهای کشور



ایسنا - براساس آخرین آمارها میزان ورودی مخازن کل کشور از ابتدای سال آبی (ابتدای مهرماه) تا ۱۲ اردیبهشت‌ماه معادل ۳۳/۱۸ میلیارد مترمکعب بوده که در قیاس با سال گذشته که عددی معادل ۲۰/۰۸ میلیارد مترمکعب بوده ۶۵ درصد افزایش داشته است.

میزان کل خروجی سدهای کشور نیز نسبت به سال قبل ۹ درصد اعلام شد. حجم آب موجود مخازن اکنون ۲۸/۹۸ میلیارد مترمکعب ثبت شده که این عدد نسبت به سال قبل که عددی معادل ۲۷/۳۲ میلیارد مترمکعب بوده ۲۱ درصد افزایش داشته است. حجم پرشدگی سدهای کشور نیز تا این تاریخ ۴۴ درصد است.

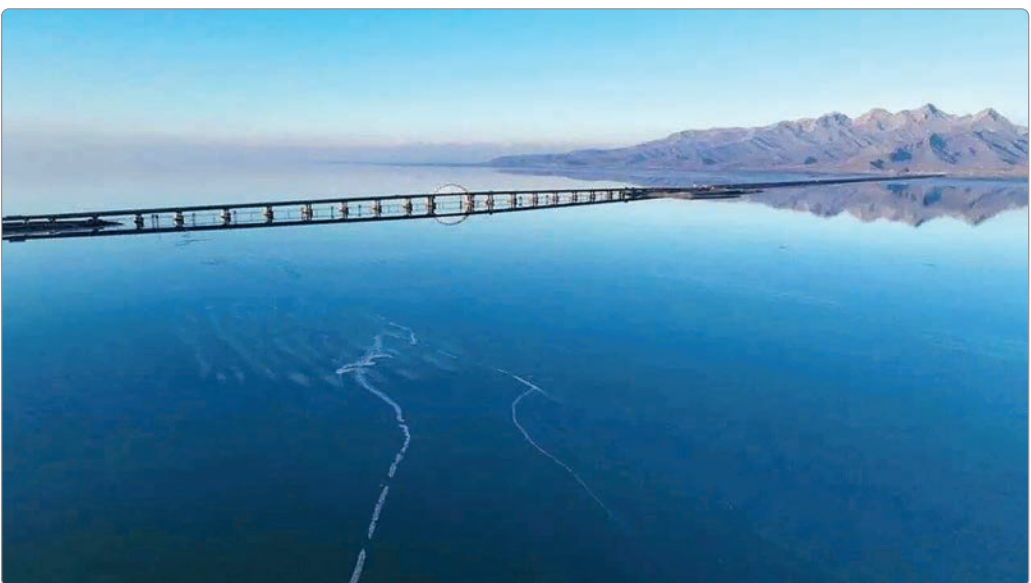
وضعیت برخی از سدهای مهم کشور بیانگر این است که در چهارده درصد پرشدگی کمتر از ۱۰ درصد است به‌طوری که همچنان سدهای لا، دوستی، یانزدخرد و ساوه کمتر از ۱۰ درصد آب دارند.

ارتفاع آب ریزش‌های جوی سدهای کشور نیز معادل ۲۲/۵ میلیارد متر است. این مقدار بارندگی در دوره‌های مشابه درازمت ۱۶/۳ میلیارد متر و در دوره مشابه سال آبی گذشته ۱۳/۵ میلیارد را نشان می‌دهد.



«جهان صنعت» از جان‌گرفتن دوباره دریاچه ارومیه گزارش می‌دهد

حال خوب یا توهم احیا؟



گروه جامعه - این‌روزها بسان چند بهار گذشته

و حتی کمی بیشتر مدام می‌شویم که حال و روزگار دریاچه ارومیه خوش شده میزان حجم آب افزایش یافته، مساحت دریاچه چندبرابر شده و حتی همین دیروز گفته شد که حجم آب دریاچه رکورد پنج‌ساله را شکسته است. همه اینها که تا الان خواندید درست است با یک «اما» بزرگ درست است اما همه واقعیت نیست خصوصاً که این‌اندک حال خوب دریاچه به‌جای اینکه حاصل تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولتی برای احیای دریاچه ارومیه باشد کار طبیعت است! همین که کار طبیعت است نشان می‌دهد که نمی‌توان امید بستت بهار سال بعد اگر آسمان به‌اندازه امسال سخاوت نداشت و اگر خواست آن همه سدسازی و برداشت بی‌رویه و بی‌حساب دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ را سرمان خالی کند و نبارد دیگر از این‌خبرهای خوش برای دریاچه ارومیه خبری نخواهد بود. این‌موضوع را رییس سابق سازمان حفاظت از محیط‌زیست و دبیر سابق ستاد احیای دریاچه ارومیه هم تأیید می‌کند.

عیسی کلانتری به‌خبر آنلاین می‌گوید: دریاچه ارومیه از سال ۱۳۹۲ تا امروز «شناسنامه آبی» مشخصی دارد یعنی اگر در سالیها جست‌وجو کنید وضعیت آن در هر سال قابل مشاهده است. در فروردین و اردیبهشت همواره بیشترین حجم آب دریاچه ثبت می‌شود چون این‌دوام بیشترین بارندگی را دارند. از این‌زمان به‌بعد بارش‌ها کاهش می‌یابد و میزان تبخیر افزایش پیدا می‌کند.

او ادامه می‌دهد: در سال ۱۴۰۰ یعنی زمانی که دولت آقای ریسی آغاز به‌کار کرد حجم آب در پایان سال آبی (۳۱ شهریور) حدود ۷/۹ میلیارد مترمکعب بود اما اکنون باوجود بارندگی‌های قابل توجه حجم آب دریاچه به‌بیلیارمترمکعب هم نمی‌رسد. بنابراین اگر حجم آب فعلی را با پایان شهریور ۱۴۰۰ مقایسه کنید یا اگر اردیبهشت امسال را با اردیبهشت ۱۳۹۹ مقایسه کنید متوجه‌شوید که می‌شود.

دبیر سابق ستاد احیای دریاچه ارومیه توضیح می‌دهد: وقتی در پایان شهریور ۱۴۰۰ حجم آب ۷/۹ میلیارد مترمکعب بوده طبیعی است که در اردیبهشت ۱۴۰۰ حجم دریاچه ۴/۷۳۶۵ میلیارد مترمکعب بوده باشد. حجم کنونی دریاچه حدود ۲/۷ میلیارد مترمکعب است یعنی نسبت به آن زمان حدود ۲ میلیارد مترمکعب کمتر دارد. تنها به‌دلیل خشکی سال گذشته است که وضعیت امسال «بهتر» به‌نظر می‌رسد.

چرا خبرها خوش نیست؟

طبق برنامه احیای دریاچه ارومیه حجم آب دریاچه در اردیبهشت ۱۴۰۰ باید حدود ۷/۵ میلیارد مترمکعب باشد اما اکنون حدود ۳ میلیارد مترمکعب آب است. در واقع اتفاقی در راستای احیا نیفتاده. بارندگی‌ها زیاد شده و سرریز سدها وارد دریاچه شدند.

هر همین اساس کلانتری تأکید می‌کند که «این یک‌مدیریت طبیعی است و نه نتیجه عملکرد هیچ

انعکاس

چنگ کارشناس اورژانس فرقی نمی‌کند جنگ باشند یا صلح، تعطیل باشند یا روز کاری آنها همیشه برای کمک به‌مجرروحان و بیماران آماده هستند و لباس سفیدشان آرامبخش آسیب‌دیدگان.

به گزارش ایسنا، در جنگ ۴۰ روزه بعد از هر حمله و انفجاری نگاه همه مجروحان و آسیب‌دیدگان به‌دنبال افرادی بود که دردی از دردشان را کم کند و دست‌های گم‌شده‌شان به‌موشان دراز کند که تکسین‌های اورژانس یکی از این‌بیروهای امدادی بودند که بعد از حمله وارد صحنه می‌شدند تا نفسی را نجات دهند و زندگی را تداوم ببخشند.

طبق گفته رییس سازمان اورژانس استان تهران تا روز ۱۲ فروردین‌ماه بیش از ۴ هزار مجروحیت مرتبط با جنگ در پایتخت انجام شده که روایت دو نفر از کارشناسان اورژانس که در جنگ اخیر در این‌مأموریت‌ها حضور داشتند را در ادامه می‌خوانید:

محسن سام‌خانیانی با ۱۸ سال سابقه خدمت و محسن نجفی با ۱۱ سال سابقه خدمت دوکارشناس فوری‌های پزشکی اورژانس استان تهران هستند که در جنگ رمضان همانند جنگ ۲۲ روزه در میدان بودند و یکی از آنها زیر بمباران نفسی را بازگرداند و دیگری در سایه جنگ کودکی را به‌این‌دنیا آورد و یادآور شد که زندگی هنوز ادامه دارد.

عملیات احیا زیر بمباران

در جنگ اخیر ۱۷ نفر که دچار حملات قلبی شده بودند با عملیات احیای پرسنل اورژانس تهران به‌زندگی بازگشتند و روایت زیر درباره نجات یکی از آنهاست.

محسن سام‌خانیانی، کارشناس موتورلانس اورژانس استان تهران در گفت‌وگو با ایسنا، می‌گوید: ۱۸ سال پیش تصمیم گرفتیم شش نفر را انتخاب کنیم که در آن بتوانیم به‌مردم کمک کنیم و در لوچ جوانی بودم که با دیدن آمبولانس به‌این‌شکل علاقه پیدا کردم و از آن روز به‌مت ۱۰ سال در آمبولانس و در سال‌های اخیر نیز تا به‌امروز با موتورلانس به‌مأموریت می‌روم و در جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه با موتورلانس به‌مردم کمک می‌کردم.

سام‌خانیانی می‌گوید: وقتی جنگ شروع شد من در خانه بودم و آن روز شیفت نبودم اما بلافاصله خودم را به‌پایگاه اورژانس رساندم.

حقایق دریاچه کجا می‌رود؟

همه حرف عیسی کلانتری این است که امسال افزایش بارندگی در کل حوزه آبخیز آذربایجان باعث شده آب اضافه سدها و بارش مستقیم روی دریاچه حجم فعلی را کمی بالا نگه دارد که این به‌معنای احیا نبوده بلکه طبیعت است.

تصفیه‌خانه‌ها فیلترند اما مدیریت مصرف پساب و کنترل برداشت‌های کشاورزی موثر نیست. حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ سدهنه که باید در زمستان آب را به‌دریاچه هدایت کرده و در پاییز بسته و در بهار باز شوند رها شدند.

مدیریت اصلی تأمین حقایق دریاچه است و این حقایق داده نمی‌شود. فقط زمانی که سدها پر شوند و سرریز کنند آب به‌دریاچه وارد می‌شود. اگر حقایق تأمین نشود دریاچه دوباره خشک خواهد شد حقایق دریاچه اکنون ۵/۵ میلیارد مترمکعب در سال است.

دروغ برای اینکه احیا طبق برنامه تا سال ۱۴۰۹ انجام شود باید هر سال تا این زمان ۷/۵ میلیارد مترمکعب آب وارد دریاچه شود. در شرایط کنونی تبخیر سالانه از سطح دریاچه حدود هزار و ۵۰۰ میلیون مترمکعب است بنابراین اگر رسعت دریاچه ۳ هزار کیلومتر مربع باشد باید سالانه ۳ میلیارد و ۱۵۰ میلیون مترمکعب آب وارد آن شود تا در دهه ۱۹۹۰ دریاچه آزال به‌خوش شمالی و جنوبی شکافت و بخش جنوبی طی سال‌های بعد تقریباً به‌طور کامل خشک شد.

حسین آخانی، گیاهشناس و هیات‌علمی دانشگاه تهران در همین‌باره می‌گوید که سندر آزال نتیجه یک‌سبک‌تکر مدیریتی است: مدیریت امرانه، جاهلانه، مغرورانه و تک بعدی. این‌سبک مدیریت در شوروی کمونیستی و شاید بسیاری از حکومت‌های اقتدار گرا حاکم بوده است. در کشور ما این‌سبک به‌دلیل فساد و انحصار به‌خصوص در پروژه‌های آبی به‌دین‌ترین شکل ممکن ساختار بوم شناختی کشور را فروریخته است.

او ادامه می‌دهد: «فاجعه خشکی دریاچه ارومیه به‌مراتب بدتر از دریاچه آزال است چرا که بستر کاملاً نمکی دریاچه ارومیه اجازه احیای پوشش گیاهی را نمی‌دهد. فرق بین خشکی آزال و ارومیه و وضعیت اسف‌بار امروز آزال نیست.»

درباره آزال روزگاری یکی از بزرگترین پهنه‌های

آب داخلی جهان بود؛ پهنه‌ای آبی با وسعتی نزدیک به ۶ هزار کیلومتر مربع که حیات اقتصادی و اجتماعی این‌مدریت طبیعی است و نه به‌عنوان پذیرش‌کننده ریغی دانستنی متفاوت بود؛ داستان عقبنشینی آبی که هیچ‌کس در آن سال‌ها تصورش را نمی‌کرد.

با تصمیم اتحاد جماهیر شوروی برای تبدیل آسیای مرکزی به «قطب تولید پنبه» مسیر رودخانه اصلی به‌سوی مزارع گسترده آزال به‌دریاچه همچنان پایین است در حالی که طبق برنامه به‌یک‌باره کاهش یافت و دریاچه آرام‌آرام شروع به‌عقب‌نشینی کرد. دهه‌ها گذشت و هر سال با گسترش کشاورزی، آبیاری ناآرام‌آرام و برداشت‌های بی‌وقفه آزال خشک‌تر شد.

سرورهای نرمن‌فازی نیز شامل توسعه کشاورزی کم‌آب، افزایش بهره‌وری آب و کنترل دهانه‌های آبگیر بودند که به‌گفته کلانتری «از سال ۱۴۰۰ به‌بعد هیچ‌کس از این برنامه‌ها به‌طور موثر اجرا نشدند. به‌همین دلیل وضعیت دریاچه نتیجه طبیعت است و نه مدیریت انسانی و به‌همین علت دریاچه سال گذشته خشک شد.»

به گفته او تونسل زاب که باید سالانه ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب وارد دریاچه کند اکنون حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب وارد می‌کند. آن‌هم در حالی که بخشی از همین مقدار برای توسعه‌های بعدی برداشت می‌شود و آب کمتری به‌دریاچه می‌رسد.

سندروم آزال

دریاچه ارومیه در سرنوشتی که داشته تنها نیست البته اگر واقعا این بی‌توجهی‌ها را سرنوشت محتوم دریاچه بدانیم.

نبرد اورژانس زیر بمباران

خود را به‌انجام می‌رساندم و از همان لحظات اولیه سعی می‌کردم خونریزی مجروحان را بند بیاورم و پاسمان کنم تا از آسیب بیشتر جلوگیری کنم.

شهدات همکارم بدترین لحظه زندگی‌ام بود

در این جنگ بدترین لحظه‌ای که به‌خاطر دارم شهادت همکار عزیزمان آقای علی عبدالهی بود که صبح روز شهادتش با من رفتم اما به‌سایر همکارانم همکارم می‌پیکر او را از محل حادثه منتقل کردیم که بدترین خاطره زندگی‌ام کاری‌ام بود اما در این میان خاطره‌های خوب نیز دارم. مثلاً وقتی تهران‌سرسر مورد حمله قرار گرفت مسا برای مأموریت انجام می‌شدیم و توانستیم مردی را که زیر آوار مانده بود خارج کنیم. وقتی از زیر آوار خارج شد متوجه شدم در اثر جراحات دچار آسیب قلبی شده که سریعاً عملیات احیا را آغاز کردیم.

در حال انجام می‌بودم که جنگه دشمن دوباره بازگشت و مجدداً همان نقطه را بمباران کرد من نیز مثل هر کس دیگری ترسیده بودم اما اگر بکن‌لحظه دست از عملیات احیا می‌کشیدم این فرد جانش را از دست می‌داد.

جهان صنعت

تیم کارشناسی متشکل از کارشناسان اقتصادی و حقوقی به منظور کمک به رفع موانع تولید آماده ارائه خدمات به تولیدکنندگان و صاحبان کلا و خدمات در حوزه های زیر است:

- موانع صادرات و واردات
- برندهای های حقوقی
- مشکلات تأمین سرمایه
- نهیه بی‌بسن پلن
- خدمات مشاوره مالی و مالیاتی
- مشاوره در زمینه‌های ادوایح مالیاتی
- معرفی شرکای تجاری داخلی و خارجی
- برندسازی و دیجیتال مارکتینگ
- موفقیت در مذاکرات تجاری
- بازاریابی و فروش
- حل مشکلات قراردادهای تجاری
- مشاوره در زمینه‌های ورود شرکتهای تجاری به بیرون

بیشترشان هم غیرنظامی بودند بیشتر بود

از آنجایی که من با موتورلانس بودم بعضی وقت‌ها زودتر از تیم آزیاب به‌منطقه می‌رسیدم و شبت حادثه، تعداد مجروحان و شهدا و ناوگان مورد نیاز را پیش‌بینی و به‌مرکز اعلام می‌کردیم. سپس به‌مجرروحان کمک می‌کردیم و اقدامات اولیه درمانی را برای مجروحان انجام می‌دادیم تا آمبولانس‌ها برسند.

نجفی درباره مأموریت خاص خود در زمان جنگ می‌افزاید: اواسط جنگ بود که یک‌مأموریت انتقال زنل باردار برای زایمان بهممن محول شد. یعنی یک‌زن باردار بر اثر حملات دچار استرس شدید شده و چون شرایط خیلی خطرناک بود نتوانسته بود به‌بیمارستان منتقل شود. سریعاً خودم را به‌خانه آنها رساندم و متوجه شدم زایمان بسیار نزدیک است.

در این جنگ به‌دین‌آمین این‌نوزاد بسیار برایم لذت بخش بود و انگار به‌ما نوبت می‌داد که زندگی ادامه دارد و اوگر جانی از دست رود جان دیگری به‌وجود می‌آید.

JS NEWS
جهان صنعت را در فضای مجازی دنبال کنید

jsnews
jsnewsir
jsnewsir
jsnewsir